

رسالت زینب علیها السلام در استمرار امامت



زینب دخت علی سببی برای استمرار امامت و خلافت الهی بود؛ با وجود آنکه امام و خانواده خود را از دست داده بود و بهترین‌های اهل زمین از یاران برادران و پدر خود را از دست داده بود و همه این‌ها در یک لحظه رخ داد، ولیکن شکسته نشد؛ چنانچه حالت طبیعی ژنی انسانی این‌طور اقتضا می‌کند. ایشان بی‌درنگ قیام را انتخاب کرد و در دهم محرم و بعد از آن به تنهایی سپاه و امتی شد. خودش را با کرامت و سخاوت بر مرگ عرضه کرد، و هدف خود را به بهترین وجهی که قابل تصور است به انجام رساند و از زندگانی علی بن حسین سجاد علیه السلام محافظت کرد؛ به همین سبب ایشان بابت استمرار امامت و سلسله جانشینان و پیامبران خدای سبحان، دارای مقام بزرگی است...»

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پیام خرد

فهرست

- ۳..... زینب علیها السلام سببی برای استمرار امامت.....
- ۵..... قصه حضرت زینب علیها السلام.....
- ۷..... پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه السلام در موضوع قرآن.....
- ۸..... کربلای بی‌زینب علیها السلام.....
- ۱۰..... ایمانی و رسالت آسمانی (قسمت دوم).....
- ۱۱..... آیا گمان می‌کنی جرمی خرد و کوچک هستی؟!.....
- ۱۳..... امام حسین علیه السلام در دیدگاه اهل سنت.....
- ۱۷..... خاطره‌ای از موبک ۵۱۹.....



هفته‌نامه زمان ظهور

شماره ۱۰۸، جمعه ۲ مهر ۱۴۰۰، ۱۶ صفر
۱۴۴۳، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۱
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه‌های ارتباطی:
www.zamanezohoor.com



هرگونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والآله الطيبين
الطاهرين



زینب علیها السلام

سببی برای استمرار امامت

مبنای عملکردهای اخلاقی و تربیتی حضرت زینب علیها السلام از مسائل بسیاری نشئت می‌گیرد که می‌تواند عبارت باشد از فضای اخلاقی حاکم در حیات فردی، اجتماعی و سیاسی ایشان؛ همچنین مقامات اخلاقی، عرفانی ایشان با توجه به القاب شریف آن حضرت و سیره علمی عملی آن بانوی بزرگ جهان اسلام می‌تواند شامل مقام خوف، ابتلا و امتحان، اخلاص، صبر، رضا، ایثار، یقین و معرفت توحیدی باشد.

زینب علیها السلام در خانواده رسالت چشم به جهان گشود و در فضایی نورانی و با صفا رشد یافت و تحت تعلیم مربیانی عامل و عالم به مبانی تربیت قرار گرفت. آموختن علم از لبان وحی و نوشیدن شیر از سینه عصمت و طهارت، همه نوع استعدادهای نهفته را در وجود او به فعلیت در آورده و آن‌چنان به آداب و سنن الهی مؤدب گشته بود که در عظمت و کرامت با برادران عزیز خود برابری می‌کرد. 

ای آذرخش خشم! ای مظهر لطافت و رحمت! چگونه می‌توان تو را گفت، تو را نوشت. قلم در ابهام شناخت مانده است. انسان، به زیبایی کامل در تو متجلی است. چه کسی را می‌توان یافت که در هنگام توهین، در های وهوی گشنده انبوه مردمان، در کوچه‌های تهمت و تحقیر، در خنده‌های شوم پلیدان، آرام و بی‌هراس این‌گونه پرصلابت و قاطع، رگبار تند سخن را بر قلب‌های سخت خفتگان، چون آتشی مذاب جاری کند.

کیست که در چنین هنگامه سراسر خون و رنج و درد و تنهایی، هنوز فریادی برای کشیدن و سخنی برای گفتن و توانی برای ایستادن داشته باشد. 

حضرت زینب علیها السلام از جمله زنانی است که وادی کمال را تا سرحد نهایت طی کرده است و بعد از حضرات معصومین علیهم السلام، کسی که انسانیت در ذات وجودی‌اش ختم گردید عصمت صغری، حضرت زینب کبری علیها السلام است.

سید احمد الحسن علیهما السلام:

کسی که به حسین ملحق نشود و راه و شیوه حسین را نپوید، و حسین زمانش را دنبال نکند شهید نمی‌شود، یعنی در راه خدا کشته نمی‌شود و شاهی بر حق نیست؛ سپس او به فتح نمی‌رسد.

(متشابهات، جلد ۱، بخشی از پاسخ به سؤال ۱۴)





زینب علیها السلام انجام داد عبرت و الهام بگیرد، و از ظرفیت جایگاه او بهره برد و به ایشان به عنوان سمبل و نماد عالی زن و انسانیت اقتدا کند، حتی اگر به او ایمان نداشته باشد. برای هر زنی امکان دارد برای بزرگترین هدف در زندگی دنیا که همان ایستادگی به همراه حق و عدالت و انصاف علیه باطل و ظلم و طغیان است به پا خیزد ...»

(پیام صفحه فیس بوک، ۲۹ اوت ۲۰۲۰م)

حضرت زینب علیها السلام عاشقی است که محو جمال معشوق شده؛ بنابراین چیزی جز زیبایی نمی بیند. او همچون حسین علیه السلام از نفس مطمئنه برخوردار بوده و این همه اطمینان و نهراسیدن را از زنده نگاه داشتن یاد خدا در قلبش به دست آورده است.

زینب علیها السلام صبری بزرگ داشت. شاهد و پرچمدار پیشگام هر مصیبتی بود. او را عقیده بنی هاشم لقب داده بودند، چون در دانش و پرهیزگاری از دیگر زنان هاشمی پرمایه تر بود. سفیر کربلا از ایام کودکی در میدان زهد، با انواع رنجها و غمها خو گرفته بود؛ تا جایی که مصیبت را نعمت، و بلا را رحمتی از سوی حق تعالی می دانست.



سید احمد الحسن علیه السلام آن مرد بزرگ از جوهره علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در وصف حضرت زینب علیها السلام که امتی بود در زمان خودش، این گونه می فرمایند:

«زینب علیها السلام در لحظاتی بود که امام و خانواده و بهترین اهل زمین از یاران برادران و پدرش را از دست داده بود، شکست و فوراً برخاستن را برگزید و در روز دهم محرم و بعد از آن به تنهایی همچون لشکر و امتی بود. جان خود را با بخشنده و سخاوت تمام در معرض مرگ قرار داد و به بهترین وجهی که قابل تصور است وظیفه خود را انجام داد و از زندگانی علی بن حسین و استمرار امامت محافظت کرد.»

پیام صفحه توییتر، ۲۰ آگوست ۲۰۲۱م

گاهی بر ذهن هر انسانی این گونه خطور می کند که یک زن و این همه شجاعت و دلیری چگونه ممکن است؟ گویا برای همگان این گونه به نظر می رسد که زن فقط مؤنث بودن است و توانایی امر دیگری را ندارد و زینب علیها السلام به همه مردان خلاف این موضوع را ثابت کرد و بر همگان آموخت که یاری حجت خدا و مقاومت و ایثار، انسانیت را می طلبد؛ خواه زن باشد یا مرد... مولایمان سید یمانی در وصف حضرت زینب علیها السلام و زن بودنش و قیامش می فرمایند:

«زینب دخت علی سببی برای استمرار امامت و خلافت الهی بود؛ با وجود آنکه امام و خانواده خود را از دست داده بود و بهترین های اهل زمین از یاران برادران و پدر خود را از دست داده بود و همه اینها در یک لحظه رخ داد، ولکن شکسته نشد؛ چنانچه حالت طبیعی زنی انسانی این طور اقتضا می کند. ایشان بی درنگ قیام را انتخاب کرد و در دهم محرم و بعد از آن به تنهایی سپاه و امتی شد. خودش را با کرامت و سخاوت بر مرگ عرضه کرد، و هدف خود را به بهترین وجهی که قابل تصور است به انجام رساند و از زندگانی علی بن حسین سجاد علیه السلام محافظت کرد؛ به همین سبب ایشان بابت استمرار امامت و سلسله جانشینان و پیامبران خدای سبحان، دارای مقام بزرگی است؛ و هر زنی برایش امکان پذیر است که در هر زمان و مکانی از آنچه

سید احمد الحسن علیه السلام:

امام حسین علیه السلام نشان داد دین الهی بدون خون مقدسش، استقامت نمی کند.
(خطبه نصیحتی به طلبه های حوزه های علمیه)



مدافعان کوچک (رده سنی ۵ تا ۱۵ سال)

قصه حضرت زینب علیها السلام



رو فراموش نمی کرد، و همیشه برای برادرش و خانواده اش دلسوز و مهربون بود. امام حسین هم از داشتن خواهری مثل حضرت زینب خیلی خوشحال بود و بهش افتخار می کرد و همیشه به ایشان احترام می داشت. امام حسین هر وقت یه جایی نشسته بود و می دید حضرت زینب اومده از سر جاش بلند می شد و خواهر مهربونش رو سر جای خودش می نشوند. حضرت زینب هم با مهربونی از برادرش تشکر می کرد. گل های مهربونم، امام حسین همیشه مواظب حضرت زینب بود؛ حتی وقتی می خواست بره بیرون همراهیش می کرد، تا کسی مزاحمش نشه. بچه ها یه روز که امام حسین وارد خونه شد، دید حضرت زینب خوابش گرفته و نور آفتاب توی صورتشه.

یاد می گیره رو به خواهرش هم یاد بده؛ برای همین وقتی به مسجد می رفت سخنرانی امامشون و پدرشون امام علی رو با دقت گوش می کرد؛ بعد وقتی میومد خونه، حرفای امام علی رو برای حضرت زینب می گفت تا خواهرش هم اونا رو یاد بگیره. حضرت زینب هم خیلی باهوش بود و با دقت به حرف های برادرش گوش می داد و کمی بزرگتر که شد مثل مادرش زهرا علیها السلام معلم زن ها و بچه ها شد و توی خونه به اونا درس دین و قرآن می داد. عزیزانم، حضرت زینب توی زندگیش خیلی رنج و سختی تحمل کرد؛ ولی همیشه صبور بود و توی مشکلات و سختی ها صبر و تحمل می کرد و همیشه و همه جا به یاد خدا بود و هیچ وقت نماز و روزه و دعاش

سلام گل های احمدی. خوبین؟ می خوام براتون درباره دوستی ها و مهربونی های حضرت زینب و امام حسین بگم. آماده اید؟ حضرت زینب علیها السلام دختر امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام بود. ایشان خواهر کوچیکتر امام حسین علیه السلام بود. حضرت زینب علیها السلام وقتی به دنیا اومد علاقه عجیبی به برادرش امام حسین داشت و وقتی برادرش رو نمی دید گریه اش می گرفت و بی تاب می شد و وقتی برادرش میومد خوشحال می شد و می خندید. امام حسین هم حضرت زینب رو خیلی دوست داشت و همیشه باهاش حرف می زد و بهش محبت می کرد. حضرت زینب که بزرگتر شد، امام حسین همیشه به فکر یادگیری ایشان بود و دوست داشت هرچی خودش

سید احمد الحسن علیه السلام:

[زینب علیها السلام] خودش را با کرامت و سخاوت بر مرگ عرضه کرد، و هدف خود را به بهترین وجهی که قابل تصور است به انجام رساند و از زندگانی علی بن حسین سجاد علیه السلام محافظت کرد.

(پیام صفحه فیس بوک سید احمد الحسن علیه السلام، ۲۹ اوت ۲۰۲۰ م)

دشمن ایستاد و نداشت کسی به امام آسیب برسونه. آخه امام سجاد امام بعد از امام حسین بود و حضرت زینب با این کارش از امامش محافظت کرد.



بچه های احمدی، بابا احمد می گه همه می تونن حضرت زینب رو الگوی خودشون قرار بدن؛ یعنی شجاع باشن و با صبر و حوصله درکنار حق بمونن و جلوی ظلم و ستم بایستن؛ پس مثل زینب دختر علی باش.

(برگرفته از پیام صفحه فیس بوک سید احمد الحسن علیه السلام، ۲۹ اوت ۲۰۲۰م)

عزیزان احمدی، امیدوارم که شما هم با خواهرها و برادراتون مهربون باشید و اونا رو دوست داشته باشید و همیشه صبور باشید و کنار امام بمونید، تا خدا هم شما رو دوست داشته باشه.

حضرت زینب توی کربلا برای امام حسین مثل یه مادر بود و هر وقت امام حسین یکی از یارانش رو از دست می داد کنارش می رفت و اونو دلداری می داد.

امام حسین هم توی کربلا حواسش به خواهرش بود و وقتی خواهرش گریه می کرد باهاش حرف می زد و آرومش می کرد.

فرزندانش، وقتی امام حسین و یارانش شهید شدن، حضرت زینب با شهادت و شجاعت از زن ها و بچه ها مواظبت کرد و نداشت دشمن بی رحم اونا رو کتک بزنه.

حضرت زینب با مهربونی از امام سجاد علیه السلام که توی کربلا مریض بود پرستاری کرد. ایشون حتی وقتی دشمن بی رحم می خواست امام سجاد رو شهید کنه با شجاعت جلوی

امام حسین تا اینو متوجه شد، جلوی نور خورشید را گرفت تا چشم خواهرش اذیت نشه و راحت بخوابه. حضرت زینب وقتی از خواب بیدار شد کلی از داداشش تشکر کرد و بهش گفت ممنون برادر، منم حتماً محبت رو جبران می کنم.

نوگل های احمدی، می دونید کجا حضرت زینب خیلی محبت امام حسین رو جبران کرد؟ آفرین به شما گل های باهوشم. توی کربلا...

حضرت زینب توی کربلا همراه برادرش امام حسین بود و اونجا هر لحظه حواسش به برادرش و امامش بود.

آخه امام حسین فقط برادر حضرت زینب نبود، امامش هم بود؛ برای همین حضرت زینب بیشتر دوشش داشت.



سید احمد الحسن علیه السلام:

امام حسین علیه السلام خون شریف مقدس خود را فدای خون های شما کرد.
(متشابهات جلد ۴، بخشی از پاسخ به سؤال ۱۲۳)





پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه السلام در موضوع قرآن

قسمت آخر

سوال ۷: معجزه قرآن کریم به طور دقیق چیست؟

جواب: معجزه قرآنی برای کسانی که اولین بار [با قرآن] روبه‌رو شدند در تاریخ واضح است. رسول، قرآن یا برخی از آیات قرآن را آوردند و بر مردم پیرامون خود خواندند؛ هرکس [خواست] بشنود آن را شنید و تأثیر روحی بر آن‌ها گذاشت یا بعضی خواب دیدند یا نشانه‌ها و اشاره‌هایی برایشان به وجود آمد که باعث می‌شد ایمان بیاورند. اگر [صرفاً] گفته‌ای فصیح و بلیغ بود ایمان نمی‌آوردند؛ چون فصاحت و بلاغت موضوعی نسبی است و قواعدی وجود ندارد که بگوید اینجا مرزی هست، اگر از آن بگذری کلام معجزه می‌شود؛ به همین دلیل می‌گفتند «محمد ساحر است» و زنان و جوانان خود را از خواندن و شنیدن آن منع می‌کردند؛ چون برای بسیاری از آنان، یا این تأثیر روحی صورت می‌گرفت یا خواب می‌دیدند؛ و الآن هرکسی می‌تواند این را تجربه کند.

سوال ۸: اگر معجزه قرآن در تأثیر روحانی آن است، تحدی در آیاتی که خداوند تحدی می‌کند مثل قرآن را بیاورند یا حتی مثل سوره‌ای از آن را بیاورند چگونه است؟

جواب: بله، هنوز این تحدی پابرجاست و نه فقط برای عرب؛ قطعاً برای همه مردم و با هر زبانی است تا آیه‌ای یا کلامی بیاورند که دارای

جهت بین موارد مذکور تفاوتی وجود ندارد، و بین موارد مذکور و بین کلام بقیه عرب‌ها هم تفاوتی وجود ندارد، مگر به اندازه‌ای که هر کلامی خاص متکلم آن است؛ یعنی خصوصیات اصالت خودش را داراست، چون هر متکلمی ویژگی‌های کلامی خود را دارد و کسی که مثل او ادا کند تقلید از او دارد.

سوال ۱۲: آیا لفظ قرآن ساختار الهی محضی است که نبی صلی الله علیه و آله نقشی در آن ایفا نکرده است؟ یا چیزی که برایشان نازل شده عبارت از حقایقی است که بر او کشف شده و ایشان با زبان خود و زبان قوم خود ساختار را صورت داده؟ و [محدوده] همین سؤال تا تورات و انجیل هم کشانده می‌شود.

جواب: لفظ قرآنی، ساختار الهی نیست. لفظ قرآنی در نفس رسول شکل می‌گیرد؛ زیرا اصل معنوی آن از خداوند سبحان است و به صورت لفظ در نفس رسول با الفاظی که عقل ایشان از محیط خود حفظ کرده‌اند شکل می‌گیرد [و ساخته می‌شود]؛ کاملاً مثل خواب؛ خواب معنایی است که فرستاده شده و مطابق الفاظی که بیننده در درون خود دارد شکل می‌گیرد و صورت‌بندی می‌شود تا از طریق آن رسالت رؤیا به او منتقل شود.

* عباراتی که در [...] قرار دارد توسط گروه مترجمان اضافه شده است.

همان تأثیر قرآن بر روح انسان باشد. اگر تحدی فقط برای عرب‌ها باشد در این صورت بقیه مردم غیرعرب که اکثریت را تشکیل می‌دهند مخاطب قرآن نیستند؟!

سوال ۹: آیا اخلاص در نظم قرآن کریم طوری که تأثیری در غرض و مقصود آیات نداشته باشد، معجزه را باطل می‌کند؟

جواب: باطل نمی‌کند.

سوال ۱۰: آیا معجزه قرآن کریم با ترجمه باطل می‌شود؟ و اگر باطل نمی‌شود پس چرا غیرعربی و ترجمه تکبیره الاحرام یا قرائت در نماز کافی نیست؟ از دید علمای مسلمان به طور کلی آن‌ها نظرشان بر این است که ترجمه باعث بطلان معجزه می‌شود و دیگر قرآن نخواهد بود و دلیلی می‌شود تا در این حالت نماز باطل شود.

جواب: باطل نمی‌شود؛ ولی ترجمه گاهی اوقات اشتباه است و متن از اینکه قرآن باشد خارج می‌شود، و تکبیره الاحرام و نماز در صورت امکان، عربی گفته می‌شود تا زبان نماز بین مسلمانان یکی باشد.

سوال ۱۱: بعد از اینکه [متوجه شدیم] معجزه قرآن، لفظی نیست، فرق بین قرآن و حدیث قدسی و نبوی در چیست؟

جواب: منظور از معجزه لفظی قطعاً بلاغت و امثال آن است، و از این

سید احمد الحسن علیه السلام:

[امام حسین علیه السلام] برترین زنان عالم از اولین و آخرین پس از مادرش حضرت فاطمه علیها السلام - که زینب علیها السلام است - را فدای زنان و ناموس‌های شما گردانید.

(متشابهات جلد ۴، بخشی از پاسخ به سؤال ۱۲۳)





این گونه عمل زینب علیها السلام داستان کربلا را تبدیل به حماسه کرد!

همچون زینب علیها السلام باش

زمانی که فرستاده امام مهدی علیهم السلام، سید احمد الحسن یمانی علیهم السلام می فرماید «همچون زینب باش» چه چیزی را قصد می کند؟!

ایشان در صفحه مبارک فیس بوک خود فرمودند:

«زینب دخت علی سببی برای استمرار امامت و خلافت الهی بود...»

با وجود آنکه امام و خانواده خود را از دست داده بود... و بهترین های اهل زمین از یاران برادران و پدر خود را از دست داده بود...

و همه این ها در یک لحظه رخ داد... ولکن شکسته نشد؛ چنانچه حالت طبیعی ژنی انسانی این طور اقتضا می کند.

ایشان بی درنگ قیام را انتخاب کردند...

و در دهم محرم و بعد از آن به تنهایی سپاه و امتی شد... خودش را با کرامت و سخاوت بر مرگ عرضه کرد، و هدف خود را به بهترین وجهی که قابل تصور است به انجام رساند و از زندگانی علی بن حسین سجاد علیهم السلام محافظت کرد؛ به همین سبب ایشان بابت استمرار امامت و سلسله جانشینان و پیامبران خدای سبحان، دارای مقام بزرگی است...» (۲)

چگونه می توان مانند زینب علیها السلام شد؟

برادران و خواهران عزیزم «لوح محو و اثبات» در پیش روی شما و قلم در دستتان است!

چه نقشی از خود برجای خواهید گذاشت؟

آیا همچون قهرمان کربلا تا آخرین نفس، تمام داشته های

اکثر ما این جمله را شنیده ایم که «کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود»؛

اما کدام یک به عمق معنای آن توجه کرده ایم؟

آیا این جمله از روی احساس است یا حقیقت محض؟ شاید اگر فداکاری های زینب س و روشنگری های او از آن واقعه عظیم نبود، قیام کربلا طراوت کنونی را نداشت!

زینب س فراتر از یک خواهر فداکار بود؛ زیرا هیچ کس در مقام خواهر نمی تواند چنین مصیبتی را در مقابل قاتل (یزید لع)، به زیبایی تشبیه کند!

در بخشی از مناظره حضرت زینب علیها السلام در کاخ یزید، یزید لع گفت: خدا را شکر که شما را خوار نمود!

سپس از حضرت زینب سؤال کرد: کار خدا را با برادر و اهل بیت چگونه یافتی؟

زینب کبری در جواب فرمود: «و ما رأیت الا جمیلاً...» «هیچ چیز جز زیبایی ندیدم». اینان (امام حسین و یارانش) گروهی بودند که خداوند شهادت را برای آنان مقرر نمود و در قیامت خداوند بین تو و آنها قضاوت می کند...» (۱)

با تأمل در این بخش از پاسخ زینب کبری علیها السلام متوجه خواهیم شد که او قبل از اینکه خواهری وفادار باشد، بندهای مخلص برای خداوند است؛ زیرا او با وجود تمام مصیبت های وارده فقط به خواست و اراده خداوند توجه می کند و همین امر باعث می شود او استوارتر از کوه در کاخ یزید او را اسیر کند!

آری، شجاعت حضرت زینب علیها السلام و پاسخ های کوبنده او یزید لع را اسیر کرد!

به حدی که یزید لع لرزه بر تنش افتاد و در انتها وقتی خود را ناتوان در برابر دختر حیدر کرار علیهم السلام دید گفت:

خدا لعنت کند پسر مرجانه را، من راضی به کشتن حسین نبودم!

سید احمد الحسن علیهم السلام:

زینب علیها السلام دختر علی علیهم السلام پس از مادرش فاطمه علیها السلام برترین زنان جهانیان است.

(پاسخ های روشنگرانه، جلد ۶ سؤال ۵۳۶)



باز خریدیم،

یعنی با امام حسین (ع)؛ و کسی که فدیہ برایش انجام شده، امام مهدی (ع) است؛ پس سلام بر قربانی صلح و حق و عدالت باد. و بدان که علی اکبر (ع) ذبیح اسلام است، همان طور که امام حسین ع ذبیح الله است.

و الحمد لله وحده. (۳)

حسین (ع) و زینب (ع) فدای حاکمیت خدا شدند و بلاگردان انصار مهدی (ع) و نوامیس آنها!

او تمام رنج و مشقت های مسیر برقراری حاکمیت خدا را به جان خرید تا با فدا شدن خود و اصحابش و اسیر شدن اهل بیتش بلاهایی را پاک کند که در لوح محو و اثبات قرار بود بر انصار امام مهدی (ع) و نوامیس آنها فرود بیاید.

زمانی که یمانی آل محمد (ع) قضیه امام حسین (ع) و حضرت زینب (ع) را باری سنگین بر دوش خود می داند، چگونه ما انصار امام مهدی (ع) می توانیم از اعمال و تبلیغ خود ولو به میزان بالا راضی باشیم؟ چگونه می توان حقی که قضیه کربلا بر دوش ما دارد ادا کرد؟

زمانی که سید احمد الحسن (ع) می فرماید «عمل کنید عمل کنید تا زمانی که نفسان قطع شود» این مبالغه نیست! زیرا حتی با وجود چنین عملی همچنان شرمنده ابا عبدالله حسین (ع) و خواهر گرامی شان خواهیم بود و نخواهیم توانست آن حق عظیم را ادا کنیم.

گر تمام صبرها صابر شوند
بر نیستان بلا حاضر شوند

گر هر آنچه جمع سازند صبرها
از دحام صبر گردد کربلا

از دل تاریخ می آید خبر
باز زینب می شود تمثیل صبر

منابع:

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، صفحه ۱۱۵، باب ۳۹؛
۲. پیام صفحه فیس بوک سید احمد الحسن ع، ۱۲۹ اوت ۲۰۲۰ م؛
۳. کتاب متشابهات، ج ۴، سؤال ۱۲۳

خود را فدای حجت زمان می کنید یا باری بر دوش او اضافه خواهید کرد؟

همه ما در قبال مشقت هایی که با عمل نکردن در راه خدا به حجتش وارد می کنیم مسئولیم...

چه پاسخی در پیشگاه پروردگار و حضرت زینب (ع) برای کوتاهی در این امر الهی خواهیم داشت؟

برای زینبی شدن باید هر کدام سپاه و امتی شویم تا لرزه بر کاخ یزیدیان زمان افکنیم و حاکمیت خدا را در هر زمان و مکان فریاد بزنیم، حتی در اسارت!

ارتباط قیام امام حسین (ع) و قضیه امام مهدی (ع)؛

سید احمد الحسن یمانی (ع) در کتاب شگفت انگیز متشابهات می فرماید:

«...امام حسین (ع) خون شریف مقدس خود را فدای خون های شما کرد و برترین زنان عالم از اولین و آخرین پس از مادرش حضرت فاطمه (ع)، که زینب (ع) است را فدای زنان و ناموس های شما گردانید و شیرخوارش را فدای فرزندان شما نمود.

بار فضل حسین (ع) بیشتر از همه خلق خدا بر دوش امام مهدی (ع) و من بنده فقیر و مسکین سنگینی می کند، و دین حسین (ع) بر پشتم سنگینی می کند و تاب و توان ادای آن را ندارم مگر اینکه خداوند خودش یاری ام فرماید. بدان، هنگامی که امام مهدی (ع) درباره امام حسین (ع) می فرماید "بر تو به جای اشک خون می گیرم"،

حقیقتاً می فرماید نه از روی مبالغه. این امر بدین خاطر است که امام حسین (ع) خون شریف خود و نفس مقدسش را فدای قضیه امام مهدی (ع) کرد و خودش را فدای قضیه امام مهدی ع نمود.

آن حضرت ذبیح الله است؛ یعنی همان طور که شما وقتی خانه ای می سازی یک گوسفند قربانی اش می کنی، خداوند سبحان و متعال نیز هنگامی که عرش خود و آسمان هایش و زمینش را بر پا نمود، حسین (ع) را فدای آن ها کرد. قضیه امام مهدی (ع) همان قضیه خداوند و سر منزل انذار الهی است، و همان قضیه عرش خدای سبحان و مُلک او و حاکمیت او در زمینش است.

حق تعالی می فرماید:

(وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ: و او را به فدیة ای (قربانی) بزرگ

سید احمد الحسن (ع):

حضرت زینب (ع) پس از واقعه کربلا، نقش بسیار عظیمی در تبیین حق و رسوا کردن باطل بر عهده داشت.

(در محضر عبد صالح، جلد ۲)





یمانی و رسالات آسمانی

قسمت دوم

حجرالأسود یعنی همان سنگ سیاهی که در زاویه خانه در مکه و دقیقاً در رکن عراقی قرار دارد را شنید، فرمود:

«چه می‌گویی ای پسر خطاب! همانا به خدا قسم، خداوند این سنگ را در روز قیامت زنده می‌کند در حالی که یک زبان و دلب دارد، پس شهادت می‌دهد برای کسی که به او می‌رسد. این سنگ به منزله دست راست خداوند است که به وسیله آن خلق با خدا بیعت کنند». بعد از این کلام، عمر گفت: خدا ما را در شهری نگه ندارد که در آن علی بن ابی طالب حضور ندارد.» (وسائل الشیعة، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۳۲۰-۳۲۱).

بنابراین سنگ زاویه در مزمور داوود عليه السلام حجرالاسود است که در رکن عراقی قرار دارد و دست راست خداوند و نجات دهنده است و مردم از طریق او با خدا بیعت می‌کنند. اما چرا در رکن عراقی قرار دارد؟

بازگشتی به اشعیا، فصل ۶۳

شاید کسی که از حقیقت آگاه نیست گمان کند می‌گوییم نجات‌دهنده‌ای که می‌آید در حقیقت خود سنگ زاویه‌ای است که در کعبه قرار دارد؛ اما این سنگ که عمل نجات را انجام می‌دهد، رمزی است برای نجات‌دهنده‌ای که در اشعیا فصل ۶۳ آیه ۱ ذکرش آمده است که از بصره می‌آید:

(این کیست که از ادوم با لباس سرخ از بصره می‌آید؟ یعنی اینکه به لباس جلیل خود ملبّس است و در کثرت قوّت خویش می‌خرامد؟ من که به عدالت تکلم می‌کنم و برای نجات، زور آور هستم).

در پایان

از متون آسمانی روشن می‌شود که این سنگ به همان نجات‌دهنده‌ای اشاره دارد که از «بصره» می‌آید و این سنگ خودش در «رکن عراقی» قرار دارد و تأکید دارد بر اینکه نجات‌دهنده‌ای که می‌آید از «عراق» می‌آید؛ بنابراین یمانی که در قسمت قبل مشخص شد همان نجات‌دهنده‌ای است که از بصره می‌آید از «عراق» و از «بصره» می‌آید؛ اما نام او چیست؟ اگر خدا بخواهد ادامه دارد...

متون مقدس ادیان الهی محل آمدن یمانی را به ما نشان می‌دهد

در قسمت قبل مشخص شد متون مقدس ادیان الهی بر این حقیقت اشاره می‌کنند که منتقم خون حسین عليه السلام و همان یمانی وعده داده شده، از بصره در کشور عراق می‌آید و او همان شخصیت منجی یا نجات‌دهنده است. در این قسمت به امید خدا شاهد دیگری تقدیم می‌شود که گواهی دیگری بر این حقیقت است که یمانی از بصره در عراق می‌آید.

در مزمور ۱۱۸، آیات ۱۵ تا ۲۶ سخن داوود نبی را می‌خوانیم که فرمود:

(آواز ترنم و نجات در خیمه‌های عادلان است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می‌کند. دست راست خداوند متعال است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می‌کند. نمی‌میرم بلکه زیست خواهم کرد و کارهای خداوند را ذکر خواهم نمود. خداوند مرا به شدت تنبیه نموده، لیکن مرا به موت نسپرده است. دروازه‌های عدالت را برای من بگشایید! به آن‌ها داخل شده، خداوند را حمد خواهم گفت. دروازه خداوند این است. عادلان بدان داخل خواهند شد. تو را حمد می‌گویم زیرا که مرا اجابت فرموده و نجات من شده‌ای. سنگی را که معماران رد کردند، همان سرزاویه شده است. این از جانب خداوند شده و در نظر ما عجیب است. این است روزی که خداوند ظاهر کرده است. در آن وجد و شادی خواهیم نمود. آه ای خداوند، نجات ببخش! آه ای خداوند، سعادت عطا فرما! متبارک باد او که به نام خداوند می‌آید. شما را از خانه خداوند برکت می‌دهیم).

این پیشگویی داوود عليه السلام و سخنش درباره «دست راست خداوند» و «سنگی» که در «زاویه» قرار دارد و «نجات» و «خانه» خداوند و ... به چه معناست؟ در محضر علی عليه السلام این قضیه روشن می‌شود.

تطابق سخن علی و داوود عليه السلام

علی عليه السلام پس از آنکه سخن عمر بن خطاب درباره

سید احمد الحسن عليه السلام:

زینب دخت علی سببی برای استمرار امامت و خلافت الهی بود.

(صفحه فیس بوک سید احمد الحسن عليه السلام، ۲۹ اوت ۲۰۲۰)



آیا گمان می کنی جرمی خرد و کوچک هستی؟!

ناشمارا می‌گوییم؛ مثل مجموعه اعداد حقیقی. [۷]

عدد اصلی (کاردینال): عددی است که بیانگر تعداد اعضای یک مجموعه است. برای مجموعه‌های متناهی از اعداد حسابی استفاده می‌کنیم و برای مجموعه‌های نامتناهی مثل مجموعه اعداد طبیعی از نماد $\aleph_0$ و برای مجموعه اعداد حقیقی از نماد $\aleph_1$ یا C به‌عنوان عدد اصلی استفاده می‌کنیم. نکته: مجموعه‌های هم‌توان، اعداد اصلی برابر دارند.

حال که به‌طور مختصر با مجموعه‌های متناهی و نامتناهی آشنا شدیم، به پاره‌ای از سخنان سید احمد الحسن علیه السلام دربارهٔ نفس و موجودیت‌ها مراجعه می‌کنیم.

«فرض می‌کنم شما عصایی داری. این عصا را به‌صورت عمودی قرار بده؛ بالاترین جای عصا، نفس یک انسان یا بالاترین مقام اوست و پایین‌ترین جای آن نیز معادل جسم است. البته امیدوارم دقت داشته باشی که این یک مثال است و واقعیت چیزی غیر از آن است.

اکنون در ذهنت این عصا را به بخش‌هایی تقسیم کن؛ ولی برای اینکه وضعیت به بهترین وجه ممکن باشد، باید این بخش‌ها تا جایی که امکان دارد کوچک باشد.

حال ببین چه تعداد از این بخش‌های کوچک وجود دارد؟ برای دانستن این

مجموعه‌های هم‌توان: هرگاه بین دو مجموعه، یک نگاشت دوسویی (یک‌به‌یک و پوشا) موجود باشد، [۱] آن دو مجموعه را هم‌توان یا هم‌ارز می‌گوییم؛ مثل مجموعه اعداد طبیعی [۲] و مجموعه اعداد صحیح. [۳] مجموعهٔ متناهی: اگر بتوانیم تعداد اعضای یک مجموعه را با یک عدد حسابی [۴] نمایش دهیم، آن مجموعه را متناهی می‌گوییم؛ مثل مجموعه دانش‌آموزان یک کلاس یا مجموعه اعداد یک‌رقمی.

مجموعه نامتناهی: هر مجموعه‌ای را که بین آن و یک زیرمجموعه سره‌اش، یک نگاشت دوسویی موجود باشد، مجموعه نامتناهی می‌گوییم.

برای مثال بین مجموعه اعداد طبیعی و مجموعه اعداد طبیعی زوج [۵] که یک زیرمجموعه سره اعداد طبیعی است، یک نگاشت دوسویی وجود دارد.

پس طبق تعاریف، مجموعه‌ها یا متناهی هستند یا نامتناهی؛ از طرفی خود مجموعه‌های نامتناهی نیز به دو دسته شمارا و ناشمارا تقسیم می‌شوند. مجموعه شمارای نامتناهی: هر مجموعه نامتناهی‌ای را که با مجموعه اعداد طبیعی هم‌توان باشد شمارای نامتناهی گوئیم؛ مثل مجموعه اعداد گویا. [۶]

مجموعهٔ ناشمارای نامتناهی: هر مجموعه نامتناهی‌ای را که شمارا نباشد،

در این نوشتار کوتاه سعی داریم دربارهٔ نفس و تعداد سرسام‌آور موجودیت‌های غیرقابل‌شمارش انسان طبق سخنان سید احمد الحسن (ع) توضیحاتی را ارائه دهیم.

ابتدا نیاز داریم با مجموعه‌های متناهی و نامتناهی در ریاضیات آشنا شویم.

مجموعه: گردایه یا دسته مشخصی از اشیای متمایز است. این اشیاء، عضوها یا عناصر مجموعه نامیده می‌شوند.

اعضای یک مجموعه ممکن است
هر چیزی باشند؛ مثلاً اعداد، افراد،

حروف الفبا، مجموعه‌ای از حقایق
مجموعه‌های دیگر و جزاین‌ها؛ بنابراین

منظور از اشیا در تعریف مجموعه لزوماً
اشیای مادی نیست؛ بلکه هر نهادی را

هرچند انتزاعی و کاملاً ذهنی (همچون اعداد) می‌توان در ریاضیات یک شیء

و گردایه آن اشیا را مجموعه دانست.
تساوی دو مجموعه: دو مجموعه A

و B را برابر گوییم، هرگاه تمام اعضای A عضو مجموعه B باشند؛ همچنین

تمام اعضای B عضوی از مجموعه A باشند.

زیرمجموعه: مجموعه A را زیرمجموعه
مجموعه B گوئیم، هرگاه تمام اعضای

مجموعه A عضوی از مجموعه B
باشد.

زیرمجموعه سره: مجموعه A را یک
زیرمجموعه سره از مجموعه B گوئیم،

هرگاه A زیرمجموعه B باشد ولی با آن برابر نباشد.

سید احمد الحسن علیہ السلام:

با وجود آنکه [زینب (ع.ا.س.)،] امام و خانواده خود را از دست داده بود... و بهترین های اهل زمین از یاران برادران و پدر خود را از دست داده بود... و همه این ها در یک لحظه رخ داد... ولیکن شکسته نشد؛ چنانچه حالت طبیعی ثنی انسانی این طور اقتضا می کند.

(صفحہ فیس بک سید احمد الحسن رحمۃ اللہ علیہ، ۲۹ اوت ۲۰۲۰)

پی نوشت

(۱) برای توضیح بیشتر فرض کنید می خواهیم یک نگاشت یا تناظر دوسویی بین دو مجموعه برقرار کنیم. مجموعه اول را حسین و حسن و رضا و مجموعه دوم را احمد و محمد و علی تشکیل می دهند. حال می خواهیم یک تناظر بین اعضای این دو مجموعه ایجاد کنیم و هر فرد از گروه اول را مقابل فردی از گروه دوم قرار دهیم. شرط اولیه و لازم این است که در مقابل هر عضو از مجموعه اول تنها یک عضو از مجموعه دوم قرار بگیرد و نه بیشتر؛ اما بعد، این تناظر و نگاشت از مجموعه اول به مجموعه دوم زمانی یک به یک خواهد بود که مقابل افراد گروه اول، فردی تکراری از گروه دوم قرار نگرفته باشد؛ یعنی برای مثال نباید به گونه ای باشد که علی هم مقابل حسین باشد و هم مقابل حسن. این نگاشت زمانی پوشا خواهد بود که برای هر عضو از مجموعه دوم، یک عضو در مجموعه اول وجود داشته باشد که مقابل آن قرار گرفته باشد؛ یعنی به گونه ای نباشد که اعضای دو مجموعه را یکی یکی به هم نظیر کنیم، ولی در انتها حداقل یک عضو از مجموعه دوم باقی بماند که هیچ عضوی از مجموعه اول در مقابل آن قرار نگرفته باشد.

$$(۲) \{..., ۱, ۲, ۳\} = N$$

$$(۳) \{..., ۳, ۲, ۱, ۰, ۱, ۲, ۳, ... \} = Z$$

$$(۴) \{..., ۰, ۱, ۲, ۳\} = W$$

$$(۵) \{..., ۲, ۴, ۶, ۸\} = Ne$$

$$(۶) \{ \neq Q = \{a/b \mid a, b \in Z, b \neq 0\} \}$$

$$(۷) R = QUQc$$

مجموعه اعداد حقیقی از اجتماع دو مجموعه Q (اعداد گویا) و مجموعه QC (اعداد گنگ) تشکیل می شود.

اعداد گویا مانند $3/4, 0/125, 0/3333...$ و $1/1$ و ...

اعداد گنگ مانند $\sqrt{2}, \pi$ و ...

(۸) در محضر عبد صالح، جلد اول، صفحه ۷۳-۷۴.

(۹) سوره ابراهیم، ۳۴

(۱۰) اعیان الشیعه، جلد ۱، صفحه ۵۵۲.

با کاردینال مجموعه اعداد طبیعی خواهد بود.

بنابراین از جنبه ریاضیاتی می توان بازه [۰، ۱] را محدوده نفس و جسم مادی در نظر گرفت و $1/n$ را یک موجودیت که در آن n به سمت بی نهایت میل می کند و این به معنی آن است که هر عضو از اعضای مجموعه اعداد طبیعی را معکوس کنیم؛ پس تعداد موجودیت ها برابر با تعداد اعضای مجموعه اعداد طبیعی خواهد بود. از مطالب گذشته مشخص شد که نفس دارای بی نهایت موجودیت است که در واقع بی نهایت آن از نوع شمار است؛ چرا که هم عدد یا هم ارز با مجموعه اعداد طبیعی است و پیش تر راجع به آن گفتیم که این مجموعه شمارای نامتناهی است. پس تعداد موجودیت های انسان، بی نهایت و برابر با کاردینال مجموعه اعداد طبیعی است که آن را با نماد N_0 نمایش می دهیم.

به این ترتیب معنای آیه شریفه «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» [۹] (و اگر بخواهید نعمت های خدا را شمارش کنید، نمی توانید) برای ما آشکار می شود؛ چرا که نعمت های خداوند بر تمام نفس، یعنی بر تمام موجودیت ها و تجلیاتش افزوده می شود.

آری، در بازه محدود بین نفس و جسم مادی مرئی، بی نهایت خلق شده ای! و به یک موجودیت مادی مرئی زمینی محدود نمی شوی.

آیا گمان می کنی تو جرمی خرد و کوچکی؟ و حال آنکه جهانی بزرگتر در وجود تو نهفته است. [۱۰]

مطلب باید طول عصا را بر طول هر بخش تقسیم کنی؛ مثلاً اگر طول عصا را ۱ و طول هر قسمت را کوچک ترین مقدار ممکن در نظر بگیریم، آیا می توانی کوچک ترین عدد ممکن را تصور کنی؟ کوچک ترین عدد بیانگر «موجودیت» است. [۸]

حال کمی مثال سید احمد الحسن (علیه السلام) را توضیح می دهیم. طول عصایی که داریم یک متر است و می خواهیم آن را قسمت کنیم؛ به گونه ای که طول هر بخش آن کوچک ترین عدد ممکن شود.

ابتدا عصا را نصف می کنیم. حال طول هر بخش برابر با $1/2$ است. از طرفی می دانیم که $1/3$ کوچک تر از $1/2$ است و ما نیز قصد داریم این تقسیمات را تا جایی ادامه دهیم که به کوچک ترین عدد ممکن که از صفر بزرگتر است برسیم. پس طول عصا را بر ۳ تقسیم می کنیم و دوباره روند گذشته تکرار خواهد شد زیرا $1/4$ کوچک تر از $1/3$ است.

و این روند انتها ندارد و بی نهایت است؛ چرا که طول عصا را بر هر عددی که تقسیم کنیم، باز عددی وجود دارد که اگر طول عصا را بر آن قسمت کنیم، قسمت های ایجاد شده کوچک تر خواهند بود؛ پس برای اینکه به کوچک ترین قسمت ممکن برسیم باید بی نهایت بار تقسیم کنیم؛ زیرا اعدادی که می توانند در مخرج قرار بگیرند محدود نیستند. آنگاه به هر قسمت از این بی نهایت قسمت، یک موجودیت گفته می شود که تعداد آن ها بی نهایت و طبق توضیحات برابر

سید احمد الحسن (علیه السلام):

ایشان [زینب (علیها السلام)] بی درنگ قیام را انتخاب کرد... و در دهم محرم و بعد از آن به تنهایی سپاه امتی شد...



امام حسین علیهم السلام در دیدگاه اهل سنت

بنابراین واجب است که آن دو پسران پیامبر باشند. (۲)
احادیثی از رسول خدا ﷺ از طریق اهل سنت نقل شده که
بر این محبت و دوستی تأکید دارند.

اینکه پیامبر اسلام ﷺ فرزندش امام حسین علیهم السلام را بسیار
دوست می داشتند، در احادیثی در کتاب های اهل سنت
نقل شده است. پیامبر اسلام ﷺ امام حسین علیهم السلام را به
حدی دوست داشت که مدام دهان او را می بوسید و
می گفت: «حسین از من است و من از حسینم». (۳)
احمد بن حنبل در مسند خود به نقل از راویان متعدد
می نویسد:

پیامبر، حسن و حسین را به سینه خود می چسباند و
می فرمود: «خدا یا! من این دو را دوست دارم، تو نیز آن ها
را دوست بدار». (۴)

از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود: «مَنْ أَحَبَّ
الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي»
هر که حسن و حسین را دوست داشته باشد در حقیقت
مرا دوست دارد و هر که با آنان دشمنی کند در حقیقت با
من دشمنی کرده است». (۵)

از طریق ابوهریره و دیگران نقل شده که روزی حسین داخل
مسجد شد و خودش را به بغل رسول خدا ﷺ انداخت
و انگشتان خود را داخل محاسن رسول خدا کرد، در این
هنگام رسول خدا ﷺ دهان خود را بر دهان او گذاشت و

قال تعالى: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ
وَمَنْ يَفْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
شَكُورٌ) (بگو از شما هیچ پاداشی جز مودت نزدیکان را
نمی خواهم؛ و هر کس کار نیکی کند، بر نیکی اش می افزاییم؛
یقیناً خدا بسیار آمرزنده و عطاکننده پاداش فراوان در برابر
عمل اندک است). شوری، ۲۳

بی تردید امام حسین علیهم السلام فرزند رسول خدا ﷺ یکی از
سروران جوانان اهل بهشت و از اهل بیت پیامبر ﷺ است
که در قرآن کریم محبت و دوستی شان با آیه مودت بر
مسلمین واجب شده است. وقتی که آیه شریفه (قُلْ
لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَفْتَرِفْ
حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ) نازل
شد، از رسول خدا ﷺ سؤال شد: این خویشاوندان شما
کیست که محبت و دوستی آنان بر ما واجب شده است؟
رسول الله ﷺ فرمود: «علی، فاطمه و دو فرزند او (حسن
و حسین)». (۱)

از طرف دیگر امام حسین علیهم السلام نه تنها فرزند، بلکه پسر
رسول خدا ﷺ است. فخر رازی آیه شریفه مباهله را
دلیل قاطع بر این مطلب گرفته که حسن و حسین دو
پسر رسول خدا ﷺ هستند؛ زیرا هنگامی که به دستور
خدا مأمور شدند که در مباهله پسرانشان را دعوت کنند،
پیامبر ﷺ حسن و حسین را دعوت کرد و با خود آورد؛

سید احمد الحسن علیهم السلام:

اگر شما سیره زهرا علیها السلام و زینب علیها السلام را مطالعه کنی، درمی یابی که آن ها سخن گفته اند و از حق
جانشینان خدا بر زمینش دفاع کرده و با طاغوتیان و هواداران آن ها مواجه شده اند.

(پاسخ های روشن گرانه، جلد ۴، بخشی از پاسخ به سؤال ۳۲۲)



فرمود: «خدایا! من حسین را دوست دارم و تو هم او را و هرکه او را دوست دارد دوست بدار.» ابوهریره می گوید: بعد از این هرگاه حسین را می دیدم، اشک از چشمانم جاری می شد. (۶)

اسامة بن زید گفت: شبی به منظور حاجتی نزد رسول الله ﷺ رفتم. آن حضرت در حالی که چیزی را با خود داشت بیرون رفت؛ چون از حاجت خود فارغ شدم گفتم: این چه چیزی است که شما با خود گرفته اید؟ ایشان آن را گشود و دیدم که حسن و حسین در کنار ایشان بودند. حضرت فرمود: «این ها پسران من و پسران دختر من هستند. بار خدایا من ایشان را دوست می دارم، تو هم ایشان را دوست بدار و هرکس را که ایشان را دوست دارد، نیز دوست بدار.» (۷)

نسائی نیز با کمی اختلاف این گونه روایت کرده است: «این دو، پسران من و پسران دختر من هستند. خداوند، تو می دانی که من این دو را دوست می دارم، پس تو نیز آنان را دوست بدار.» پس تو نیز آنان را دوست می دارم، پس تو نیز آنان را دوست بدار. (۸)

عبدالله بن عمر از رسول خدا ﷺ نقل می کند: «الحسن و الحسین ریحانتای من الدنيا: حسن و حسین دو گل من از این دنیا هستند.» (۹)

یعلی بن مُرّه به نقل از رسول خاتم ﷺ می گوید: «حسین متی و أنا من حسین، أَحَبَّ اللَّهُ مِنْ أَحَبِّ حَسِيناً: من از حسین هستم و حسین از من است. خداوند دوست دارد هر آن کس را که حسین را دوست داشته باشد.» (۱۰)

پیامبر ﷺ فرمود: مَنْ أَحَبَّ هَذَا فَقَدْ أَحَبَّنِي: هرکس حسین را دوست داشته باشد، مرا دوست خواهد داشت. (۱۱)

عبدالله بن مسعود از پیامبر ﷺ نقل می کند: «ابنای الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة: دو پسر من حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت اند.» (۱۲)

با تمام این روایات و مطالبی که از طریق اهل سنت درباره اهل بیت و به خصوص امام حسین ﷺ مبنی بر مقام و جایگاه او نزد رسول خدا ﷺ و محبت و دوستی آن حضرت و وجوب این محبت بر امت اسلامی نقل شده، وقتی به صفحات تاریخ رجوع می کنیم، می بینیم بیشترین و بدترین ظلم بر اهل بیت رسول خدا ﷺ روا داشته شده است. از

تو می دانی که من این دو را دوست می دارم، پس تو نیز آنان را دوست بدار. پروردگارا، تو می دانی که من این دو را دوست می دارم، پس تو نیز آنان را دوست بدار.» (۸)

عبدالله بن عمر از رسول خدا نقل می کند: «الحسن و الحسین ریحانتای من الدنيا: حسن و حسین دو گل من از این دنیا هستند.» (۹)

یعلی بن مُرّه به نقل از رسول خاتم ﷺ می گوید: «حسین متی و أنا من حسین، أَحَبَّ اللَّهُ مِنْ أَحَبِّ حَسِيناً: من از حسین هستم و حسین از من است. خداوند دوست دارد هر آن کس را که حسین را دوست داشته باشد.» (۱۰)

پیامبر ﷺ فرمود: مَنْ أَحَبَّ هَذَا فَقَدْ أَحَبَّنِي: هرکس حسین را دوست داشته باشد، مرا دوست خواهد داشت. (۱۱)

عبدالله بن مسعود از پیامبر ﷺ نقل می کند: «ابنای الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة: دو پسر من حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت اند.» (۱۲)

با تمام این روایات و مطالبی که از طریق اهل سنت درباره اهل بیت و به خصوص امام حسین ﷺ مبنی بر مقام و جایگاه او نزد رسول خدا ﷺ و محبت و دوستی آن حضرت و وجوب این محبت بر امت اسلامی نقل شده، وقتی به صفحات تاریخ رجوع می کنیم، می بینیم بیشترین و بدترین ظلم بر اهل بیت رسول خدا ﷺ روا داشته شده است. از میان این ظلم ها ظلمی که از طرف یزید بن معاویه بر فرزند رسول الله ﷺ حضرت امام حسین ﷺ انجام گرفت، نظیر آن در تاریخ بشریت وجود ندارد و در آینده هم چنین ظلمی واقع شدنی نخواهد بود؛ زیرا آنانی که خود را مسلمان می دانستند و از امت رسول خدا ﷺ به شمار می آمدند، به نام اسلام، فرزند و پسر پیامبرشان را همراه با یاران او به بدترین و بی رحمانه ترین وضع کشتند و اطفال و زنان خانواده پاک پیامبر ﷺ را به نام کافر و طاغی اسیر کرده و در شهرها در انظار مردم گردانده و در مجالس یزید و عبیدالله بن زیاد آنان را از نظر جسمی و روحی آزار و اذیت کردند.

این واقعه تاریخی غیرقابل انکار است که امام حسین ﷺ با یاران اندک خود به مظلومانه ترین وجه توسط یزید بن معاویه، در راه خدا و حفظ دین اسلام در کربلا و روز عاشورای سال ۶۱ هجری به شهادت

سید احمد الحسن ﷺ:

برای شما در بهترین زنان جهانیان، الگویی نیکوست؛ به سیره مبارک و پاک آن ها اقتدا کنید، با این امید که خداوند شما را مورد مرحمت قرار و به شما برکت دهد؛ همان طور که به ایشان رحم نمود و برکت داد.

این دسته امروز در قالب سلفیه و وهابیت در جهان اسلام معروف هستند.

اما درباره اهل سنت معتدل باید گفت که آنان از این حادثه ناگوار، غمگین و ناراضی هستند و عوامل آن را مورد نکوهش و گاهی مورد لعن قرار می دهند. موضع گیری این دسته از اهل سنت را می توان از مطالبی که در زیر به آن ها اشاره می شود به دست آورد:

علمای اهل سنت از پیامبر اسلام ﷺ روایاتی را مبنی بر شهادت امام حسین ﷺ نقل کرده اند که از آن جمله این روایت است: «... روزی حسین ﷺ در دوران کودکی بر پشت و گردن پیامبر بازی می کرد که جبرئیل به پیامبر گفت آیا او را دوست داری؟ فرمود: بلی. جبرئیل گفت امت تو او را خواهند کشت؛ و سپس محل شهادت او را به پیامبر نشان داده و مشتی خاک سرخ رنگ را از آن محل برداشته و به ام سلمه می دهد...» (۱۳)

همچنین روایاتی را درباره حوادث روز عاشورا و بعد از آن نقل نموده که در یکی از این روایات چنین آمده است: «هنگامی که حسین بن علی کشته شد آفاق آسمان تا چندین ماه رنگ سرخ به خود گرفته بود و این سرخی آسمان حکایت از گریه آن داشته است.» (۱۴)

خبر دادن امام علی ﷺ از شهادت امام حسین ﷺ

ابن حجر می گوید جمع فراوانی از محدثان روایت کرده اند: روزی علی ﷺ که برای جنگ با سپاه معاویه به سوی سرزمین صفین می رفت، به سرزمینی که اکنون قبر امام حسین ﷺ در آنجاست، رسید و فرمود: اینجا محل اسبان آن ها، اینجا محل بار و اثاثیه آن ها، اینجا محل ریختن خون آنان است. جوانمردانی از آل محمد در این سرزمین به شهادت خواهند رسید که آسمان و زمین بر آن ها خواهد گریست. (۱۵)

در تفسیر ابن ابی حاتم آمده است که آسمان از زمانی که دنیا بوده است بر هیچ کسی نگریسته است، مگر بر دو نفر؛ یکی یحیی بن زکریا و دیگری حسین بن علی؛ و از زید بن زیاد نقل شده که چون حسین کشته شد آفاق آسمان چهار ماه رنگ سرخ به خود گرفته بود و از عطاء نقل شده که گریستن آسمان سرخ شدن اطراف آن است. (۱۶)

رسید و خانواده پاک او که خانواده پیامبر ﷺ بود با ظالمانه ترین وجه به اسارت گرفته شدند؛ بنابراین برای یک مسلمان واقعی و پیرو راستین قرآن و سنت، با توجه به آیات و روایاتی که نقل شد کافی است که نسبت به واقعه عاشورا اندوهگین و ماتم زده باشد و بدون شک بی تفاوتی نسبت به آن دلیل بر بی مبالاتی نسبت به دستور خدا و پیامبر خدا ﷺ است؛ زیرا ممکن نیست کسی امام حسین ﷺ را به عنوان قری و اهل بیت پیامبر ﷺ دوست داشته باشد، اما واقعه کربلا و عاشورا او را غمگین و ماتم زده نگرداند و نیز ممکن نیست کسی مسلمان باشد، اما قیام امام حسین ﷺ را در برابر انحراف و ظلم دشمنان اسلام به عنوان قیام ناب الهی در قالب مجالس و عزاداری گرامی ندارد. قیام مقدس امام حسین ﷺ از مهم ترین حوادث تاریخ اسلام به شمار می رود و طی قرون و اعصار، همواره کانون توجه دانشمندان و صاحب نظران بوده است و هزاران کتاب و مقاله به زبان های مختلف درباره آن نوشته شده و صدها همایش برگزار گردیده است؛ از این رو این سؤال پیش می آید که آیا مورخان و محدثان اهل سنت در این باره چه نظری داشته و دارند؟ و آیا آنان نیز اثری در این باره نوشته اند؟ و اصولاً نگاه آن ها به این حادثه مثبت بوده یا منفی؟ علمای اهل سنت، از قدیم تا امروز درباره قیام امام حسین ﷺ نظر واحد نداشته و ندارند و اختلاف نظر شدید در میان آنان وجود داشته و دارد. واقعه کربلا و شهادت جانشوز امام حسین ﷺ و صحابه گران قدر ایشان و نیز اسارت اهل بیت مکرم آل الله ﷺ یکی از نقاط عطف تاریخ اسلام است که تأثیری شگرف بر جامعه اسلامی گذاشت؛ این واقعه سبب شد واکنش های مختلفی در بین مسلمانان ایجاد شود، تا جایی که اعتراض به یزید و یزیدیان از همان ابتدا آغاز شد. در موضع گیری اهل سنت در برابر حادثه عاشورا اهل سنت به دو دسته تقسیم می شوند. یک دسته که اکثریت اهل سنت را تشکیل می دهند، اهل سنت معتدل و محب اهل بیت ﷺ هستند؛ دسته دوم اهل سنت، پیرو بنی امیه و یزید بن معاویه است که نسبت به اهل بیت و امام حسین ﷺ دید مثبتی ندارد؛ بلکه می توان گفت دشمن اهل بیت ﷺ هستند.

سید احمد الحسن ﷺ:

نقشه شیطانی در کربلا از قتل حسین فراتر می رود تا وارثان برنامه الهی را به پایان رسانده، کار آن ها را یکسره کند. این نکته ای است که از کشتاری که سپاه اموی در حق این خاندان - حتی شیرخوارشان - انجام داد واضح و بدیهی است.

(صفحه فیس بوک سید احمد الحسن ﷺ، ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۷)



امام حسین (علیه السلام) باید موضوعی برای نشست‌ها، سخنرانی‌ها و حتی خطبه‌های نماز جمعه آنان باشد؛ چرا که امام حسین (علیه السلام) برای ارزش‌هایی چون فداکاری، فداکردن جان و هر چیزی که نزد انسان عزیزتر است، قیام کرد.

منابع:

۱. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، ج ۴، ص ۲۲۳ و ۲۲۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶ ص ۲۱ و ۲۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛
۲. تفسیر کبیر، ج ۸، ص ۷۲؛
۳. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۴، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق؛
۴. مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۶۹؛
۵. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۵؛
۶. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۹۶؛
۷. سنن ترمذی، کتاب المناقب، باب مناقب الحسن و الحسین، ج ۴، ص ۴۹۶، ح ۳۷۶۹؛
۸. سنن نسائی، کتاب الخصائص، ج ۵، ص ۱۴۹، ح ۸۵۲۴؛
۹. الصواعق المحرقة، ص ۱۱۵؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۳۰۶؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۶۶؛
۱۰. الصواعق المحرقة، ص ۱۱۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۱۴؛
۱۱. مجمع الزوائد، نور الدین علی بن ابی بکر هیثمی، ج ۹، ص ۱۸۶؛
۱۲. الصواعق المحرقة، ابن حجر عسقلانی، ص ۱۱۴؛ انساب الاشراف بلاذری، ج ۲، ص ۷؛
۱۳. احمد بن حنبل، مسند احمد، ۲/۲۴۲، بیروت، دار صادر، و هیثمی، مجمع الزوائد، ۹/۱۸۷، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸؛
۱۴. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۳ و ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر ابن کثیر ۴/۱۴۳، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق و طبری، محمد بن جریر، تفسیر طبری، ۲۵/۱۲۴، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۵ ق؛
۱۵. الصواعق المحرقة، ص ۱۱۴؛
۱۶. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱۰، ص ۳۲۸۹؛
۱۷. تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر، شرح مقاصد فی علم الکلام، ۲/۳۰۷، پاکستان، دار النعمانیه، اول، ۱۴۰۱ ق؛
۱۸. البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۳۶؛
۱۹. تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، از حافظ جمال الدین ابی الحجاج یوسف المزنی، ج ۶، ص ۴۳۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی، سال ۸۰ تا ۸۱، چاپ دارالکتب العلمیه بیروت.

بر این ظلم که در نهایت شقاوت بوده جمادات و حیوانات بی‌زبان شهادت می‌دهند و نزدیک بود زمین و آسمان بر آن گریه کنند و کوه‌ها از جا کنده شوند و صخره‌ها تکه‌تکه گردند؛ پس لعنت خدا بر کسی که این کار را انجام داد یا به آن راضی شد یا در این جهت کوشید؛ و عذاب آخرت شدیدتر و ماندگارتر است. (۱۷)

انس بن مالک می‌گوید: فرشته باران نزد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) آمد و از ایشان اجازه ملاقات خواست. حضرت اجازه داد. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به ام سلمه فرمود: مراقب باش و نگذار کسی داخل خانه شود. ناگهان حسین آمد و می‌خواست داخل خانه پیامبر شود. من جلوی او را گرفتم، ولی او از دست من خود را رها کرد و وارد خانه شد. گاه بر دوش و پشت آن بزرگوار می‌نشست و گاه گردن او را می‌گرفت. فرشته باران به حضرت عرض کرد: آیا این کودک را دوست داری؟ فرمود: بله. فرشته آسمانی گفت: امت تو به زودی او را خواهند کشت. اگر می‌خواهی، جایگاه شهادت او را به شما نشان دهم! ناگهان مقداری خاک قرمز را به پیامبر نشان داد. ام سلمه می‌گوید من آن تربت را گرفتم و آن را در پارچه‌ای قرار دادم. (۱۸)

خلف بن خلیفه از پدرش نقل می‌کند که گفت: چون حسین بن علی کشته شد، آسمان تیره و تار گشت و ستارگان آسمان آشکار شدند؛ به طوری که در هنگام عصر ستاره جوزاء را به چشم خود دیدم و خاک سرخ از آسمان بارید. (۱۹)

در نتیجه از احادیثی که علمای اهل سنت روایت کرده‌اند، این گونه درمی‌یابیم که این امام همام (علیه السلام) منبع الهامات اهل سنت است؛ آنان به امام حسین (علیه السلام) افتخار می‌کنند و مصیبت ایشان را بزرگ می‌دانند...

شهادت امام حسین (علیه السلام) نزد اهل سنت، نمونه‌ای از فداکاری و دفاع از حق و تلاش امام حسین (علیه السلام) برای احقاق حق از ظالمان است و بهترین دلیل بر این مسئله روایاتی است که در کتب اهل سنت درباره مناقب و فضایل امام حسین (علیه السلام) روایت شده است. بنابراین شهادت امام حسین (علیه السلام) از بزرگ‌ترین مصیبت‌ها در تاریخ اسلام است و اهل سنت نیز به این مطلب اذعان دارند. از این‌رو، بسیاری از اهل سنت عقیده دارند ذکر قیام

سید احمد الحسن (علیه السلام):

او [زینب (علیها السلام)] از زندگی امام علی بن حسین وارث طرح و برنامه الهی- محافظت کرد.

(صفحه فیس بوک سید احمد الحسن (علیه السلام) ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۷)





خاطره‌ای از

موکب ۵۱۹

در مسیر یار

بعد از زیارت مرقد مطهر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، از نجف به سمت کربلا عازم شدم. در مسیر پیاده روی با موکب‌های زیادی برخورد کردم. موکب‌هایی که برای پذیرایی و اسکان موقتی زائران برپا شده بود. مسیر طولانی بود و باید در بعضی موکب‌ها برای خواندن نماز، خوردن غذا یا استراحت توقف می‌کردم. همه چیز به خوبی پیش می‌رفت و من مانند خیل انبوه زائران در شوق رسیدن به کربلا عمودها را یکی یکی پشت سر می‌گذاشتم و به امید یافتن نشانه‌ای، ذکر «اللهم عجل لولیک الفرج» را زمزمه می‌کردم.

تلاشی عاجزانه

شب در یکی از موکب‌ها استراحت کردم و صبح روز بعد به راه افتادم. نمی‌دانم چند ساعت بود که با پای خسته راه می‌رفتم. به عمود ۵۱۵ رسیدم. با خودم گفتم جلوتر در یکی از موکب‌ها توقف و استراحتی داشته باشم. در همین فکر بودم که متوجه شدم چند نفر که یکی از آن‌ها معمم بود در حال هشدار دادن و پخش جزوه بین زائرین بودند. با کنجکاوی جلو رفتم تا متوجه موضوع شوم.

آن‌ها گفتند یک فرقه خطرناک به نام یمانیون در موکب ۵۱۹ و موکب ۱۰۲۸ فعالیت دارند. به هیچ وجه وارد موکبشان نشوید. مبادا حرف‌هایشان را گوش کنید! و تأکید می‌کنیم از چای آن‌ها ننوشید چون که سحر می‌کند... با شنیدن «فرقه خطرناک» ترسیدم. سبحان الله! آخر فرقه خطرناک چطور مجوز برپایی موکب گرفته؟ اصلاً چطور ممکن است افراد خطرناک به زوار خدمت کنند؟ مگر چه حرفی می‌زنند که نباید بشنویم؟ همه حرف‌ها به کنار، با هشدار جدی و عجیب درباره چای سحرآلود خنده‌ام گرفت! بیشتر شبیه خرافات بود و ترسم کم شد... اما برای احتیاط تصمیم گرفتم وارد موکب ۵۱۹ نشوم. هرچند خسته بودم اما به راه افتادم.

میهمان مهدی (علیه السلام)

از دور توجهم به سمت پرچم‌های سفید زیبایی جلب شد که در بالای موکب یمانیون به اهتزاز درآمده بود و به قول گفتنی از دور دلبری می‌کردند. مقابل موکب رسیدم یک بنر با عنوان وصیت مقدس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دیدم. مشغول خواندن شدم. جالبه تا به حال نمی‌دانستم پیامبر (صلی الله علیه و آله) وصیت

نوشته بودند. در فکر فرو رفتم که با شنیدن صدایی به خودم آمدم. یک جوان خوش برخورد و مهربان کنارم بود. خستگی چهره‌ام را که دید برای پذیرایی و استراحت به موکب یمانی دعوت کرد. راستش اخلاق این جوان اصلاً شبیه ادعاهای آن شیخ معمم درباره فرقه خطرناک نبود. از طرفی دوست داشتم درباره وصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اطلاعاتی کسب کنم. وارد موکب یمانیون شدم. در آنجا با احترام و گشاده رویی از زوار پذیرایی می‌شد. بعد از خواندن نماز جماعت بعضی از زائرین می‌گفتند رؤیایا و کراماتی درباره این مکان مبارک دیده‌اند و این موکب متعلق به امام زمان (علیه السلام) است. هرچقدر از آشنایی من با یمانیون می‌گذشت بیشتر به تبلیغات دروغ آن شخص معمم پی می‌بردم. در گفت‌وگو با یمانیون چیزی جز نصوص قرآنی، روایات معتبر و دلایل عقلی تام نشنیدم. دلایلی قطعی که ثابت می‌کرد احمدالحسن همان یمانی موعود است. و من که برای زیارت امام حسین (علیه السلام) آمده بودم پس از مدتی تحقیق و رجوع به تقلین به حسین زمان (علیه السلام) ملحق شدم.

سید احمدالحسن (علیه السلام):

[زینب (علیها السلام)] به موضع گیری هایش در سیر کردن خود برای امام زین العابدین ادامه داد تا وقتی از اسارت سپاه اموی یزیدی بازگشتند.

(صفحه فیس بوک سید احمدالحسن (علیه السلام) ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۷)



مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.